

بود، آنها همیشه زیر دست او بودند، مادر این دو برادر از طایفه پائین بود، اما اشهد بلا خودشان زرنگ قابل می باشند.

سردار محتشم، در باطن به همراهی آنها میل نداشت، ظاهراً هم مخالفت با خانواده پدرش نمی توانست بکند، چونکه تمام برادرهای باطنی خودش و تمام بسته گان آنها به همراهی محمدعلی میرزا میل داشتن و همراهی او را وسیله پیشرفت و طلوع اقبال خود می دانستن و همه زنگ خیال ایشان فال نیک می زد و با هم می گفتن که باید بحدی خدمت به این شاه جوان بخت بنمائیم که در سلطنت او فعال مایشاء باشیم. خلاصه به امیدهای دور و دراز و آرزوهای زیاد تمام فامیل دسته دسته متفق در راه محمد علی میرزا جان بازی می نمودن، اما الحق که سردار محتشم همراه نبود، از جان و دل میل به همراهی حاجی علیقلی خان سردار اسعد را داشت، خیلی مایل به همراهی با او بود. در هر صورت به اتفاق سردار اسعد از قشلاق به بیلاق آمدن سردار اسعد هم خیلی او را نصیحت نمود که این کار بازیچه نیست، نهضت ملی می باشد، از همه اطراف ایران صدا بلند شده است. اگر خداوند بخواهد ملت پیش می برد، آنوقت وای بحال آنهایی که بطرف ملت حمله نمودند و پیشانی خود را بخون ملت رنگی و تنگین نمودند، ما تمام بختیاری باید دست اتفاق به هم داده و تمام فامیل محترم باید حکم یکنفر را داشته باشیم. تفنگ به دوش، شمشیر افتخار بدست گرفته تا جان در بدن داریم کوشش کنیم و ریشه استبداد را از بیخ بکنیم، ما باید کشنده میکروب نجس استبداد باشیم، ما باید نام نیک در صحنه روزگار بگذاریم، ما باید تاریخ ایران را از نام نیک خود مشعشع بنمائیم، بایستی روح نیاکان خود را از حرکات خود خوشحال بنمائیم، فریب مردم مفسد را نخورید، خود را بدنام روزگار نکنید. اگر ملت پیش برد خانه شما را خراب می کند، آنوقت من نمی توانم از ملت جلوگیری بکنم. سردار محتشم شخصاً خود تمام فرمایشات سردار اسعد را قبول می نمود، اما افسوس که برادرهای او به خیالهای باطل از او جلوگیری می نمودن، به ایشان خاطر نشان می کردن که اولادان مرحوم ایلخانی ملتی شدن و اگر ملت پیش برد تمام کارها در دست آنهاست، شما هم باید دولتی باشید که اگر

محمد علی میرزا پیش رفت سلطنت مال شماست، فرمان فرمای ایران خواهید شد. در هر صورت با رسیدن خوانین به اردل برادر و مادر عیال مرحوم حاجی ایلخانی خصوصاً سردار اشجع به سردار محتشم سخت گرفتند، و نگذاشتن با سردار اسعد همراهی کند. سردار اسعد برای میزدج حرکت کرد اما اتفاقاً سردار محتشم در اردل رفت میان اندرون در به روی خود بست، با دل تنگ با خاطری پریشان، ملاقات با هیچ کس نمی کرد. تمام بسته گان اولاد حاجی ایلخانی با شهاب السلطنه پسر برادر سردار محتشم رفتن پیش امیر مفخم و به کمک محمد علی میرزا. سردار محتشم تنها در اردل بود همراه با سردار اشجع، او هم آمده بود نگذارد سردار محتشم با سردار اسعد همراهی کند، اما سردار محتشم نوعی دل تنگ بود و غصه می خورد که برادر و مادرش و اهل و عیال آنها ترسیدن که هلاک بشود. از خیلی سئوال و جواب که شاید او را به همراهی امیر مفخم سردار جنگ راضی کنند و نشد جواب داد: نه همراهی با امیر مفخم می کنم، نه با اسعد. آنوقت راضی شد که با سردار اسعد همراهی بکند، اما چه راضی بودن، شبانه روز با سردار اشجع و ظاهری با سردار اسعد بود، در باطن با امیر مفخم بود، اما تمام برادرهای دیگرش که اولادان حاجی ایلخانی باشند، با تمام بسته گان آنها کمک امیر مفخم بودن اتفاقاً بایست برنامه اولادان مرحوم حاجی ایلخانی را تصدیق نمود، چونکه برای پیشرفت کار خودشان خوب خیالی نمودن، منتها بخت آنها یاری نکرد، ستاره اقبال محمد علی میرزا رو به خاموشی بود، ابر تیره رنگ افق اقبال او را تاریک نمود، آنچه کرد برای خرابی و تمامی خود بود. وزرای بدبخت او هم تمام بخیال نفع خود بودند، نه بفکر سلطنت، نه به فکر مملکت، زیرا خیال می کردند اگر شاه بر روی میل، پارلمان را برقرار کند و آزادی مملکت را برقرار کند، اول سلطنت طعم عدالت را چشیده با اهل مجلس یگانه شود، استقلال آنها از بین می رود و کردن آنچه کردن، خلاصه حضرت سردار اسعد با قشون بختیاری با تمام برادر و برادرزاده ها در چقاخور جمع شدند، یکنفر از احمدی ها که آمنصور بود، فرستاد نزد امیر مفخم که با اردوی دولتی به کاشان یا نزدیک کاشان رسیده بود، خیلی پیغام ها به ایشان داد که ما همه اولادان یک پدر هستیم و همه

یک خانواده هستیم چرا باید با هم دعوا کنیم، شما طرفداری از سلطنت پوسیده و ننگین محمدعلی میرزا نکنید، بر هر فردی از خانواده واجب است، که برای آزادی خون خود را بریزد چه خیالی شما را وادار به این فکر نموده است که باید برای برقراری استبداد خون برادران خود را بریزید، نام خود را ننگین کنید. وقتی که آمنصور رفت فرمایشات حضرت سردار اسعد را ابلاغ نمود، امیر مفخم نمایشی از می گیرم، می بندم، می کشم، جواب داد سردار ظفر هم تا این زمان با امیر مفخم همراه بود و جلوی تمام اردوی دولتی آمد مورچه خور^(۱) ولی از آنجا آمد برای اصفهان خدمت صمصام السلطنه و از خدمت گزاری محمدعلی میرزا استعفا داد سردار ظفر از مورچه خورت به حضرت آیت‌اله اصفهانی نوشت، که کار من مثل حُر در صحرای کربلا شد، اول کسی که جلوی امام مظلوم آمد حر بود، و اول کسی که براه او شهید شد هم حر بود، حال من اول کسی بودم که جلوتر از اردوی دولتی برای قتل و غارت اهل اصفهان آمدم، حالا هم اول کسی هستم که خود را برای آزای وطن به کشتن می دهم، آمد اصفهان، وقتی که حضرت سردار اسعد مشغول جمع آوری قشون بود، که برای اصفهان حرکت و از اصفهان برای طهران بروند، شاه یک خیال ننگین کرد که ملت را گول بزند، تلگراف به تمام والیان ایالات نمود، که مجلس را برقرار می کنیم، حکم آزادی را می دهم، مردم هم خیلی خوشحال شدند، خصوصاً اهل و عیال بختیاری‌ها شکر نمودیم، که بدون نزاع آزادی داده شد. اما افسوس چه تیره شود، مرد را روزگار همان می کند، کش نیاید بکار

محمدعلی میرزا و دوستان او بخیال خود ملت را گول می زدند، چونکه مقصد من نوشتن روزنامه خود می باشد نه تاریخ نویسی، صرف نظر از تمام جزئی و کلی مطالب می کنم. چونکه این واقعیات را در تمام تاریخ های خارجه و داخله نوشته اند. خلاصه ملت گول محمدعلی میرزا را نخورد، حضرت سردار اسعد با قشون بختیاری از جوتقان که ملک شخصی خود بود، حرکت نمودن، منزل اول ایشان در سورشجان منزل خود

بود، شب را با هزار نفر سوار در سورشجان بودن، من هم آن‌چه توانستم خدمت نمودم. فوق‌العاده اوقات [اوقات] تلخ بود، تمام آن شب را ایشان فرمایش می‌فرمودند، من گریه می‌کردم صبح زود که شد، باقی سوار تفنگ‌چی هم وارد شد، برای دهکرد حرکت کردن، خود حضرت سردار اسعد، با جعفر قلی خان پسرش، با عموزاده‌ها و برادرزاده‌ها بعد از اردو حرکت کردن، چه قیامتی بر پا شد، از گریه نمودن من، چه فریادها نمودم، چه فغان‌ها نمودم. حضرت سردار اسعد فرمایش می‌فرمود: خواهر عزیزم، چرا اوقات خود را تلخ می‌کنی؟ شما باید هوصله [حوصله] داشته باشید، باید حرکات مردانه بکنید، اما من تقصیر نداشتم، عزیزترین برادرهایم را بچشم خود می‌دیدم که برای مرگ می‌روند. جوان‌های رشید بختیاری و سواران ایل برای مقابله با اردوی نظامی با صاحب منصب‌های خارجه با توپ‌های بی‌پیر چون شیر در حرکت بودند واقعاً تمام جوان‌های رشید بختیاری برای مردن می‌رفتند، بعد از داد و فریاد، گریه و شیون نمودن با صدای بلند جواب فرمایش‌های حضرت سردار اسعد را عرض نمودم، که البته هیچ قوه نمی‌تواند محبت و حقیقت زوال ناپذیر خواهری را نسبت به برادر عزیزش پاره کند به علاوه که خواهر بچشم خودش ملاحظه بکند که عموم فامیلش در خطر جانی و مالی گرفتارند، بلکه تمام ایل بختیاری در این خطر شرکت دارند. اما چونکه این مردن تمامی برای آزادی ملت می‌باشد، من با کمال قوت قلب عقیده حضرت را تبریک می‌گویم و تقدیر می‌کنم و افسوس دارم که چرا من یکنفر زن بدبختی هستم که نمی‌توانم برای آزادی ملت جانفشانی بکنم و چرا نمی‌توانستم مثل زن‌های اروپائی با اردو جهت پرستاری جوان‌های رشید بختیاری حرکت کنم، وجود من امروز بچه درد می‌خورد، حالا که تصمیم دارید در این کار متعهد و مردانه باشید. اگر تمام مردهای رشید بختیاری شهید شدن، تمام زن‌های بختیاری را جمع نموده کفن بگردن، تفنگ بدست برای شکست دادن دشمن رو بطرف اردوی استبداد حرکت می‌کنیم قبل از آن‌که گرفتار دست دشمن شویم، خود را بکشتن می‌دهیم، اما برادر عزیزم خداوند با نیکان همراه می‌باشد، عقیده تو مقدس می‌باشد، نیت شما قابل تقدیر می‌باشد. امیدوارم رحم خداوند و کرم

مرتضی علی که ریشه استبداد پوسیده را بعقل سرشار و فکر عمیق خودتان و بزور شمشیر آتش بار جوان‌های رشید ایرانی از بیخ و بن بکنید، امروز روزیست که خون ناحق ایلخانی پدرم بجوش آمده و باید تلافی کرد با بردن اسم ایلخانی اشک در چشم حضرت سردار اسعد آمد و تمام این جوان‌های رشید بختیاری که حاضر بودن، چه فامیل چه از سرکردگان بختیاری به هیجان آمدند صدا را بزنده باد، سردار اسعد زنده باد، نام نیک او را بلند نمودن، حضرت سردار اسعد فرمودن زنده باد خواهر عزیزم که بعد از گریه و زاری این نطق آتشین را نمودید، هم محبت خواهر را بروز دادید، که نجابت ایرانیست خود را. بعد حرکت برای رفتن نمودن، روی مرا بوسیدند، دست مبارکشان را بوسیدم، اما مثل بید جلو باد می‌لرزیدم. خیلی خود داری نمودم، جمعیت درب قلعه خیلی بود، خاستم تا درب قلعه مشایعت کنم، فرمودن خیلی شلوق است، من که دیدم حال ندارم، چند نفر زن فرستادم سر پیچ قلعه برسم ایل کل بزنند، سواران که صدای کل می‌شنیدند خوشحال می‌شدند و به وجد می‌آمدند اما خود رفتم میان اطاق سرم را پائین نمودم قرآن بسر گرفتم، توفیق و موفقیت فامیلم را از خداوند خواستم، هزارها بار با خدای خود راز و نیاز نمودم، برادر عزیزم را با همراهان به خداوند سپردم. حضرت سردار اسعد شب را در دهکرد بودن بعد حرکت نمودند بطرف اصفهان، حضرت صمصام‌السلطنه هم با سوار و جمعیت در اصفهان بودند، آنجا مشورت نمودند، تلگراف به آزادی‌طلبان ایرانی هر که هر کجا بود نمودن وعده با هم دادن که برای طهران حرکت کنند، در این رولسیون^(۱) ایران، ایل قشقایی با ایلات عرب به رقابت ایل بختیاری که برای آزادی پیشقدم شد حمایت نکردن، بعلاوه ضدیت هم نمودن، با کمال افتضاح و بی‌شرمی با دشمن همراه بودن، خلاصه اردوی حضرت سردار برای طهران حرکت نمود، اردوی محمد علی میرزا هم جهت جلوگیری از حمله به طهران حرکت نمود، امیر مفتح، سردار جنگ با چند نفر از برادر و برادرزاده‌ها در اردوی محمد علی میرزا بودن، تمام قوت و

نیروی محمد علی میرزا، امیر مفخم و سردار جنگ بودن، سوار بختیاری هم خیلی با آنها همراه بودن اما سردار محتشم و سردار اشجع با صمصام السلطنه و سردار اسعد همراه شدن، از طرف رشت هم سپهدار رشتی با یفرم خان ارمنی^(۱) با مجاهدین حرکت نمودند. در قاسم آباد دعوا افتاد، تقریباً به قدر یکصد نفر جوان رشید ناکام بختیاری از دو طرف کشته شد، یکنفر از عموزاده‌های خودم، که پسر عمویم رضا قلی خان و اسم ایشان عزیزاله خان بود و بهتر از او نداشتن، خیلی قابل بود، اگر روزگار با او موافقت می‌کرد ترقی می‌نمود، در تمام این رولسیون ایران و این پیش آمدهای بزرگ فامیل و این جنگ و دعوا شوهر عزیزم، با ... خود عزیز آقا عیش می‌کرد، از اول خدمت به اقبال الدوله حکومت اصفهان می‌کرد، بعد که صمصام السلطنه رفت اصفهان اقبال الدوله را بیرون کرد، ایشان هم نشستند در عمارت خود مشغول مجاهدت خود بودن، نه اسمی از ایشان، نه رسمی، گاه گاهی هم خودم حسادت می‌کردم و حسرت می‌خوردم چه به ما رسیده است که چرا باید شوهر من امروز یکنفر از رئیس‌های بزرگ اردوهای بختیاری نباشد و چرا باید او پیشقدم نباشد اما به تقدیرات خداوندی نمی‌توانستم کاری بکنم، نصیب من این شوهر ... بود خلاصه چند نفر از احمد خسرویه‌های طرفین کشته شد، چند نفر از رئیس‌های بختیاری کشته شد، از آن جمله سه نفر از خوانین بختیاروند که طرف ما بودن کشته شدن، یکی از آنان داماد صمصام السلطنه بود. از هردو طرف بختیاری خیلی کشته شد، دعوا هم با بختیاری بود، قشون دولت شکست خورد و قشون ملت بدون مانع رفت پایتخت را گرفت، محمد علی میرزا با وجود استمداد کافی از قشون و توپخانه قزاق و سرباز بختیاری که امیر مفخم و سردار جنگ باشند به حدی به او غلبه کرد که فوری رفت در سفارت روس پناهنده شد.

فهرست اعلام

الف

ایران: ۷-۹-۱۱-۱۳-۱۴-۱۵-۲۴-۲۶-

۲۷-۳۰-۳۱-۳۳-۳۴-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-

۴۷-۴۸-۵۳-۵۴-۶۵-۱۲۲-۱۵۰-۱۷۳-

۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۳-

۱۸۴

اسلامبول: ۲۶

اصفهان: ۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۲۰-۲۱-۲۲-

۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-

۶۱-۶۲-۶۵-۶۶-۷۹-۸۱-۸۸-۹۵-۱۱۲-

۱۱۵-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-

۱۲۵-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۲-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-

۱۳۸-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۸-۱۵۱-۱۵۴-

۱۵۵-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-

۱۶۵-۱۶۶-۱۶۸-۱۷۰-۱۷۲-۱۷۷-۱۸۱-

۱۸۴-۱۸۳

احمد خسروی (تیره): ۲۷-۴۳-۴۹-۵۸-۷۴-

ا

آبدال خان: ۲۲

آغا محمدخان قاجار: ۲۴

آفرامرز (احمد خسروی): ۲۴-۶۵

آحیدر (احمد خسروی): ۲۷-۱۰۳-۱۰۷

آلمان: ۵۵-۶۳-۷۴-۱۲۷

آل امیه: ۲۰-۲۱

آذربایجان: ۱۶۷-۱۶۸-۱۷۱-۱۷۳-۱۷۵-

۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸

آبراهیم (احمد خسروی): ۱۲۲

آل بلاکش (روستا): ۱۴۴

آسیا: ۱۷۵

آیتالله اصفهانی: ۱۸۱

آمریکا: ۸۲-۱۷۶

آب بید: ۸۹

آفریقا: ۱۴۲-۱۷۵

آقاباشی - میرزا سلیمان: ۱۵۸-۱۶۰-۱۶۱

اراک: ۸۸	۷۵-۱۲۷-۱۶۷-۱۸۰-۱۸۴
ایلخانی: امام قلی خان (حاجی): ۱۵-۱۶-۱۸-۲۷-	اردل: ۳۹-۱۸۰
۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-	اروپا: ۳۹-۸۴-۱۷۵-۱۷۶
۴۷-۴۹-۵۹-۶۳-۶۴-۶۸-۷۲-۷۷-۷۸-	امیر مجاهد - یوسف خان: ۴۲-۴۷-۵۵-۵۶-۶۴-
۷۹-۸۰-۸۳-۸۸-۸۸-۹۲-۹۶-۹۸-۹۹-۱۰۲-	۷۸-۸۱-۸۸-۱۱۹-۱۳۱-۱۴۶-۱۶۳-۱۶۶-
۱۰۳-۱۰۸-۱۱۰-۱۱۲-۱۲۳-۱۳۱-۱۶۳-	۱۷۳-۱۷۸
۱۶۴-۱۶۸-۱۸۰	ایلخانی - حسینقلی خان: اکثر صفحات
امیرقلی خان: ۴۰-۴۱-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۷۰-	احمدی (تیره‌ای از طایفه زراسوند): ۵۵-۱۳۷
۷۸-۸۸-۱۰۱	اوزن بختیاری - ابوالفتح (سرهنگ): ۱۴
ایلیقی - رضاقلی خان: ۱۴-۱۵-۱۸-۲۷-۲۸-	اورنگ - عبدالحسین: ۱۵
۲۹-۳۰-۳۱-۳۵-۳۸-۳۹-۴۲-۴۵-۴۸-	امین السلطان - میرزا علی اصغر خان اتابک: ۱۷-۹۶
۷۴-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۳-۸۸-۸۹-	امیر مخیم - لطفعلی خان: ۱۰-۸۸-۱۲۱-۱۲۳-
۹۱-۹۶-۹۸-۹۹-۱۱۸-۱۵۶-۱۸۴-	۱۲۴-۱۶۳-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۷۳-۱۷۷-
افشار - نادرشاه: ۶۵	۱۷۸-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۳-۱۸۴
ب	انگلیس: ۲۰
بختیاری: اکثر صفحات	امیرجنگ - محمد تقی خان: ۱۶۷-۱۶۹-۱۷۱-
بی بی نیلوفر (دختر حسینقلی خان ایلخانی): ۳۶-	اسیوند (طایفه): ۱۷۰
۴۲-۴۴-۵۰-۵۶-۱۰۴-۱۶۹-	اقبال الدوله: ۱۷۷-۱۸۴
بی بی شیرین (دختر حسینقلی خان ایلخانی): ۲۳-	احمد خسروی - منصور: ۶۶-۱۲۲-۱۸۰-۱۸۱-
۶۳-۶۴	امیر خسروی - لطفعلی: ۱۲۲-۱۲۶
بی بی مرجان (همسر حسینقلی خان ایلخانی): ۴۶	احمد خسروی - آحیباله: ۱۲۷
بی بی حسنی جان (دختر حسینقلی خان ایلخانی): ۴۵	احمد خسروی - مراد: ۱۲۷
بی بی خانم کوچک (دختر حسینقلی خان ایلخانی):	احمد خسروی - عبدالکریم: ۱۳۵-۱۴۱-
۴۵-۴۶	احمد خسروی - آغلی پناه: ۱۳۷
بی بی پریجان (دختر حسینقلی خان ایلخانی): ۴۶	اسداله خان (دکتر): ۱۵۷
بی بی ماهانم (دختر حسینقلی خان ایلخانی): ۴۷-	احمد خسروی - ابوالفتح: ۱۶۱
۶۰-۶۱-۷۳-۷۷-۷۹-۸۱-۱۱۸-	امیر معزز: ۱۷۸

- بی بی زهرا بیگم (دختر حسینقلی خان ایلیخانی): ۴۸-
 ۱۰۱-۶۲-۵۹
- بی بی خانم بی بی (دختر حسینقلی خان ایلیخانی):
 ۴۹
- بی بی گوهر (دختر حسینقلی خان ایلیخانی): ۴۹
- بی بی فاطمه (همسر حسینقلی خان ایلیخانی): ۱۲
- برلین: ۲۱
- بهداروند (یک باب از هفت لنگ بختیاری): ۵۷-۸۷
- بروجرد: ۸۳-۸۸-۹۵-۹۷-۱۱۳
- بی بی مریم: ۸۵-۹۲-۱۰۱-۱۰۸
- بُر بُرود: ۹۲
- بی بی ستاره: ۹۹
- بی بی شاه بیگم: ۹۹
- بهبهان: ۱۱۳
- بی بی خاتون جان (همسر سردار اسعد): ۱۲۶
- باقرخان (سالار ملی): ۱۶۷-۱۷۱-۱۷۳-۱۷۶
- بهداروند - آقا رحیم: ۱۷۳
- بختیاروند: ۱۸۴
- پ
- پرادمبه (فرادنبه): ۱۱۸
- ن
- تخته فولاد: ۳۱
- تهران: ۱۲-۱۴-۱۷-۵۶-۱۷۸
- تبریز: ۱۶۳-۱۷۳
- تنگ گزی: ۱۶۶
- تاج السلطنه قاجار: ۱۷۴
- ث
- ثقفی اعزاز حسین: ۱۴
- ج
- جایلق: ۹۷
- جعفرقلی خان (پدر حسینقلی خان ایلیخانی): ۱۱۴
- جونقان: ۱۱۵-۱۱۹-۱۲۵-۱۲۶-۱۴۶-۱۴۸
- ۱۵۴-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۹-۱۸۱
- جهمان: ۱۴۲-۱۴۳
- جایزان (روستا): ۱۵۶
- چ
- چهارلنگ: ۱۹-۲۳-۵۷-۸۲-۸۴-۱۱۴-۱۱۷
- چقاخور: ۱۵-۱۶-۱۸-۲۶-۳۰-۳۲-۳۳-۳۶
- ۳۷-۳۹-۵۵-۶۲-۶۲-۶۵-۷۹-۸۰-۸۱
- ۸۳-۹۳-۹۸-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۷
- ۱۲۵-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۷-۱۷۳-۱۸۰
- چهل چشمه: ۸۲-۱۶۶
- چراغعلی خان (چهارلنگ): ۸۳-۹۱-۹۸-۱۰۲
- ۱۰۳
- چهارمحال: ۲۹-۸۸-۹۶-۹۷-۱۱۳-۱۱۹
- ۱۲۳-۱۳۱-۱۳۴-۱۳۶-۱۴۳-۱۴۶-۱۵۰
- ۱۵۵-۱۶۱-۱۶۳-۱۶۶
- چل جاحیدر: ۹۵
- چنگیزخان (مغول): ۱۲۴
- ح
- حاجی خان: ۶۸-۶۹
- حاجی شهاب الملک: ۷۷-۸۳
- خوزستان: ۸۳

راکی - اسماعیل: ۵۵	حشمت‌الدوله: ۹۵
ز	حسن‌آباد (روستا): ۱۱۹
زینب (حاجیه زینب همسر حاج ایلخانی): ۳۸	خ
زنگبار: ۳۸	خراسان: ۷۲
زراسوند (طایفه): ۴۳-۵۵	خداکرم‌خان (کیانرسی): ۴۶-۱۸۳
زردکوه: ۶-۷۶-۸۴	خرم‌آباد: ۸۸-۹۳-۹۶
زراسوند - کوبلایی رفیع: ۹۷	د
زند - لطفعلی خان: ۶۵	دهنو: ۵۶-۶۱-۱۱۹-۱۲۱-۱۲۳-۱۲۵-۱۲۶
س	۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۱-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳
سیف‌الله خان (کیانرسی): ۴۵	۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۴۱-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵
سردار بهادر - جعفرقلی خان: ۵۰-۵۱-۱۶۳	۱۶۶
۱۷۳-۱۷۷-۱۷۸-۱۸۲	دشتک: ۷۳
سالار اعظم - محمدخان: ۵۰	دستنا: ۷۵
سورسجان: ۲۱-۵۵-۵۶-۵۷-۱۱۹-۱۲۱	دهکرد: ۷۹-۸۰-۱۵۷-۱۶۸-۱۷۰-۱۷۱
۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۳۱-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۶	۱۷۲-۱۷۳-۱۸۲-۱۸۳
۱۳۸-۱۴۱-۱۴۴-۱۴۵-۱۵۱-۱۵۸-۱۶۲	دره‌شهر: ۸۹
۱۶۳-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱	دز (رودخانه): ۸۹-۹۰-۹۱
۱۷۲-۱۷۳-۱۸۱-۱۸۲	ورکش درکش (تنگه): ۱۲۶
سولجان (سولگان): ۱۹-۵۵	ذ
سیرک (سورک): ۱۹-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹	ذانیان (روستا): ۱۷۱
۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۹-۷۰	ر
سردار معظم - فتحعلی خان: ۲۰-۲۱	رضاخان (رضاشاه): ۵۴
سردار محتشم - غلامحسین خان: ۲۰-۴۹-۷۷	روسیه: ۲۰-۲۱
۷۹-۸۸-۹۳-۱۰۱-۱۰۲-۱۵۱-۱۵۶-۱۵۹	رامهرمز: ۱۱۳-۱۲۱-۱۵۶
۱۶۰-۱۶۳-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۷۳-۱۷۷	راکی (طایفه): ۱۲۱
۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۴	رشت: ۱۸۴
سالار مسعود: ۲۱-۷۳	روسی: ۱۸۴

سردار اسعد - علیقلی خان: ۱۱-۱۲-۱۴-۱۵	سردار اشجع - سلطان محمدخان: ۱۰۳-۱۵۰
۱۷-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۴۱-۴۳	۱۵۶-۱۶۴-۱۶۶-۱۶۷-۱۷۳-۱۷۷-۱۸۰
۴۴-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۴-۵۵-۶۵	۱۸۴
۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۵-۶۶-۶۸-۷۰	سبزکوه: ۱۱۵-۱۱۸-۱۳۶
۷۱-۷۲-۷۳-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۴-۹۶	سفیددشت: ۱۱۹
۹۷-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۴-۱۰۷	سردار جنگ - نصیرخان: ۴۹-۸۸-۱۰۴-۱۶۶
۱۰۸-۱۰۹-۱۱۳-۱۱۵-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳	۱۷۳-۱۷۷-۱۷۸-۱۸۰-۱۸۳-۱۸۴
۱۲۵-۱۲۶-۱۲۹-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۵-۱۴۴	سردار فاتح - محمدرضاخان: ۱۶۷
۱۴۵-۱۵۲-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹	ستارخان (سردار ملی): ۱۶۷-۱۷۱-۱۷۳-۱۷۶
۱۶۰-۱۶۱-۱۶۳-۱۶۷-۱۶۸-۱۷۳-۱۷۸	۱۷۸
۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴	سردار اقبال: ۱۷۱
سردار ظفر - خسروخان: ۱۱-۱۷-۱۸-۲۱-۴۴	سپهدار رشتی (تنکابنی): ۱۸۴
۴۷-۵۱-۵۲-۵۶-۵۷-۶۲-۷۳-۷۴-۸۸	سردار اسعد - اسفندیارخان: ۳۱-۳۲-۳۴-۳۶
۹۹-۱۰۱-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۷-۱۰۸	۴۰-۴۳-۵۰-۵۳-۵۶-۵۷-۶۱-۶۳-۶۵
۱۱۰-۱۱۷-۱۲۶-۱۳۳-۱۳۵-۱۴۴-۱۴۵	۶۶-۶۷-۶۸-۸۰-۸۳-۸۷-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹
۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷	۸۰-۸۳-۸۸-۹۶-۹۷-۹۸-۱۰۱-۱۰۳
۱۶۲-۱۶۳-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۹-۱۷۱-۱۷۲	۱۰۸-۱۰۹-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۸-۱۲۴
۱۷۳-۱۷۷-۱۷۸-۱۸۱	۱۲۵-۱۲۶-۱۳۴-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۱-۱۴۹
سپهدار - محمدحسین خان: ۱۸-۳۱-۳۲-۳۴	۱۵۰-۱۶۹-۱۷۳-۱۷۷
۵۶-۵۸-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۲-۷۷-۸۹	سردار ارشد - فتح الله خان: ۱۸-۳۱-۶۱-۸۹
۹۱-۹۲-۹۶-۹۸-۱۰۱-۱۰۴-۱۳۹-۱۴۹	۱۰۹-۱۱۰-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۸-۱۱۹
۱۵۰-۱۵۱-۱۷۳	۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۶-۱۳۰-۱۳۲
سلاسل (قلعه): ۸۳	۱۳۳-۱۳۴-۱۳۹-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸
سردشت (قلعه): ۸۴-۸۵	۱۵۱-۱۵۲-۱۵۵-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰
سرسفید (قلعه): ۸۵	۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۲
سیلاخور: ۹۷	
سر تشنیر: ۱۰۱	

ش

شوشتر: ۲۶-۸۳

ضربغام - ابوالقاسم خان: ۱۱۸	شیرین (کربلایی شیرین همسر حاج ایلخانی): ۳۸
ضربغام - محمدرحیم خان: ۲۱	شلمزار: ۶۹ - ۱۱۹ - ۱۲۵ - ۱۳۴ - ۱۴۵ - ۱۵۴
ط	۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۶۲
طهران: ۱۴ - ۲۴ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۹ - ۳۰ - ۵۵ - ۶۶	شهرکرد: ۷۹
۷۰ - ۷۱ - ۷۳ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۳	شوش: ۹۳ - ۹۴
۹۹ - ۱۲۵ - ۱۳۳ - ۱۵۰ - ۱۵۶ - ۱۵۸ - ۱۵۹	شهاب السلطنه: ۱۰۲ - ۱۸۰
۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۷۱ - ۱۷۳ - ۱۷۴	شیخون (طایفه): ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۳۷
۱۷۷ - ۱۸۱ - ۱۸۳	۱۶۸ - ۱۷۰
طاقونک: ۵۹ - ۷۱	ص
طباطبایی - سیدضیاء: ۲۱	صمصام السلطنه (نجفقلی خان): ۳۴ - ۳۶ - ۳۷ - ۴۰
ظ	۵۲ - ۵۵ - ۵۶ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۷۱
ظل السلطان (مسعود میرزا): ۱۲ - ۱۵ - ۱۸ - ۲۲	۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۸ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۲ - ۹۵ - ۹۷
۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷	۱۰۰ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۳
۵۳ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴	۱۱۴ - ۱۱۹ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۹ - ۱۳۱ - ۱۳۲
۶۵ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۶	۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۵ - ۱۴۸
۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۳ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۶ - ۹۷ - ۱۱۲	۱۴۹ - ۱۵۱ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸
۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۹ - ۱۳۲ - ۱۳۱ - ۱۴۸ - ۱۵۷ - ۱۵۸	۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵
۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۷۱	۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۷ - ۱۶۹ - ۱۷۳ - ۱۷۷ - ۱۷۸
ع	۱۸۱ - ۱۸۳ - ۱۸۴
عربستان (خوزستان): ۲۳ - ۲۶ - ۲۹ - ۳۰ - ۴۲	صارم الملک - الیاس خان: ۱۳۵
۴۵ - ۸۰ - ۸۳ - ۸۸ - ۹۵ - ۹۷ - ۱۱۳ - ۱۳۰	صمصام - مرتضی قلی خان: ۷۴ - ۱۰۰ - ۱۵۵
علی نقی خان: ۲۴	۱۶۶ - ۱۶۳ - ۱۷۳ - ۱۷۸
عراق: ۸۸ - ۹۵	ض
عباسقلی خان: ۴۹ - ۵۹ - ۶۲	ضربغام السلطنه (حاجی ابراهیم خان): ۱۴ - ۱۸ - ۲۰
علی رضا خان کیانرسی: ۱۲	۲۱ - ۳۱ - ۶۸ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۸ - ۸۰ - ۸۸ - ۹۶
علیقلی خان چهارلنگ: ۱۹ - ۸۳ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷	۹۸ - ۹۹ - ۱۱۸ - ۱۷۷
۸۸ - ۱۰۰	ضفیم الدوله - احمدخان قشقایی: ۱۷۳

قشقای (دارابخان): ۵۳-۱۷۳	علی بابا: ۷۱-۷۲
قشقای (صولتالدوله): ۱۷۳	علی محمدخان: ۹۹
قاسم آباد (روستا): ۱۸۴	عقیلی: ۱۱۳
قاجار - محمدعلی شاه: ۲۴-۱۶۳-۱۶۷-۱۷۳	عزیزاله خان (ایلیگی): ۱۸۴
۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱	علی مردان خان (شیرعلی مردان): ۱۹-۲۱-۲۴
۱۸۳-۱۸۴	۵۴-۱۱۷

قاجار - محمدحسن خان: ۲۳

ک

کهگیلویه: ۴۲-۴۵	فرهاد میرزا: ۳۰
کلنویا ترا: ۱۳	فرج الله خان: ۱۸-۱۹-۳۱-۵۲-۵۵-۵۶-۵۷
کرمانشاه: ۲۱	۶۱-۶۳-۶۴-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۲-۱۳۵-۱۳۶
کریم خان زند: ۶۵	۱۴۵-۱۶۸-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲
کیلان (کوه): ۹۳-۹۵	فن کار درف: ۲۱
کارون: ۱۱۳	فارس: ۲۱
کار (دکتر انگلیسی): ۱۱۵-۱۱۷-۱۲۵-۱۵۴	فاضل خان (سگوند): ۹۴
کربلا: ۱۴۲-۱۸۱	فریدن: ۹۷-۱۱۳-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۱
کاشان: ۱۸۰	۱۶۲-۱۶۳

گ

گندمان: ۱۱۸

ق

ل	قاجار: ۲-۱۲-۱۴-۳۰-۳۲-۳۳-۱۴۲
لرستان: ۲۶-۸۹-۹۳-۹۵-۹۷	قاجاریه: ۲۴-۲۵-۳۰-۳۳-۳۴-۳۹-۴۰
لر کوچک: ۱۱۳	۵۳-۶۵-۱۷۴-۱۷۶
لر بزرگ: ۱۱۳	قشقای: ۳-۱۳۶-۱۷۳-۱۸۳
م	قهفرخ: ۳۵-۵۸-۶۶-۶۹-۷۰-۷۲-۷۳-۹۷
مرتضی علی (ع): ۲۳-۱۸۳	۹۹-۱۰۱-۱۰۷-۱۲۳
محمد تقی خان: ۲۴-۴۰	قلعه قل: ۴۵-۴۶-۱۵۶-۱۶۲
معمدالدوله: ۲۴-۲۵	قم: ۱۵۹

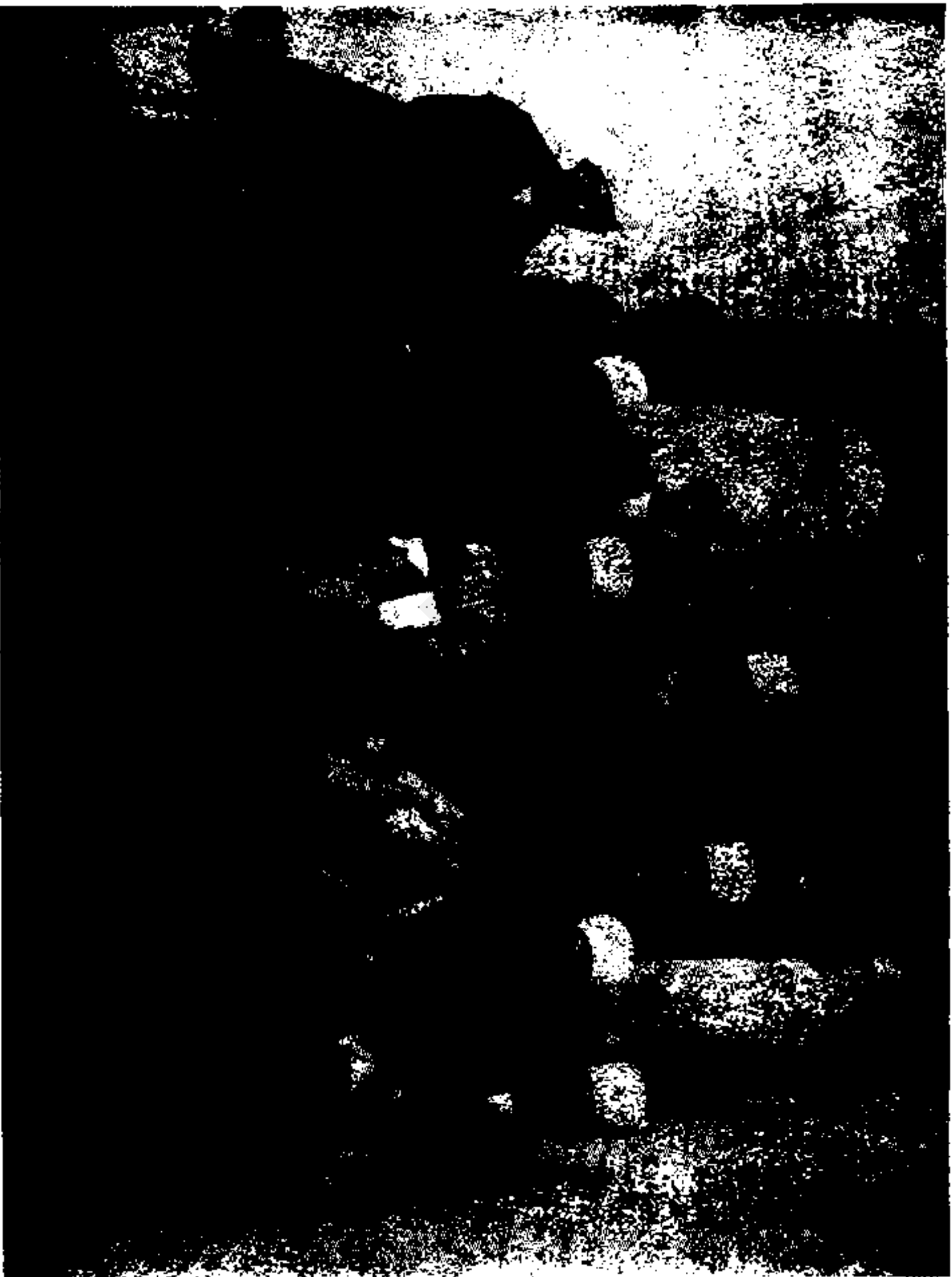
- مال میر: ۲۵-۱۴۹-۱۶۲-۱۶۵-۱۶۶-۱۷۸
 مکه: ۲۶
 مصطفی قلی خان: ۱۸-۲۷-۲۸-۳۱-۳۸-۹۸-۱۰۳-۱۰۹
 میزدج: ۳۲-۲۲-۵۵-۸۹-۱۶۶-۱۸۰
 میرزا علی باز: ۳۲-۳۳
 میرزا آقاخان جان (کچ کلاه خان): ۴۵-۴۶
 محمد علی خان چهارلنگ: ۵۳-۸۳-۹۲
 ملا کاظم: ۵۵
 مصر: ۱۳
 مظفرالدین شاه: ۱۴-۱۶۳-۱۷۴-۱۷۵
 ملا علی (اولاد): ۱۸
 محمد علی خان (فرزند سردار مریم): ۱۹-۹۷-۱۱۷
 میرزایی - غلامرضا: ۲۰
 مصدق (دکتر محمد): ۲۱
 مردانی بیژن: ۱۱
 مردانی سهراب: ۲۱
 مصطفی قلی خان (فرزند بی بی مریم): ۱۲۴-۱۲۵
 ۱۲۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴
 ۱۵۵-۱۵۷-۱۵۸-۱۶۱-۱۶۹-۱۷۲
 منتظم الدوله (محمد جواد): ۱۳۴-۱۴۱-۱۴۲
 مسیح خان (دکتر): ۱۴۸
 مورچه خور (مورچه خورت): ۱۸۱
 مشهد: ۷۰-۷۱-۷۲
 ملکم - سر جان: ۶۵-۱۱۸
- و**
 واسموس: ۲۰
 وحید دستگردی: ۲۲
 وجیه الله میرزا سپه سالار: ۷۷
- ه**
 هادی خان: ۱۴
 همدان: ۲۱
 هفشجان: ۵۹
 هندوستان: ۶۵-۱۷۸
- ی**
 یفوم خان ارضی: ۱۸۴
- ن**
 ناصرالدین شاه: ۱۲-۲۴-۲۵-۲۶-۳۰-۸۰-۱۷۵
- ناغان: ۳۰-۳۵-۳۶-۳۷-۳۹-۵۵-۵۶-۵۷
 ۵۸-۶۰-۶۱-۶۲-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹
 ۷۲-۷۳-۷۵-۷۶-۷۷-۷۹-۸۰-۱۰۰
 ۱۰۱-۱۰۳-۱۱۹-۱۲۵-۱۲۶-۱۳۶-۱۴۱
 نظام السلطنه: ۲۵-۸۰-۱۶۴
 نجفی (حاج آقا نورالله): ۲۱-۱۷۷
 نجف آباد: ۲۱-۱۶۰
 نصرالله خان چهارلنگ: ۸۵-۸۶-۸۷-۸۹
 نصرت الله خان: ۹۹
 ناظم العلوم: ۱۵۰
 نجف اشرف: ۱۷۶



حسینقلی خان ایلخانی، در حدود سال ۱۸۷۹ میلادی



فرزندان حسینی خان ایلیخانسی - برادران سردار مریم از راست به چپ: ۱- یوسف خان امیر مجاهد ۲- خسرو خان
سردار ظفر ۳- علیقلی خان سردار احمد ۴- امیر قلی خان



نشسته از راست: طلال حسین خان سردار محترم - خسرو خان سردار ظفر - محمد حسین خان سپهبدار - اسفندیار خان سردار اسعد - تعمیر خان صمصام السلطنه - یوسف خان امیر مجاهد.

ایستاده: از چپ: ۱- سردار اقبال فوزند اسفندیار خان ۲- مرتضی قلی خان صمصام فوزند صمصام السلطنه ۳- ۴

www.KetabFarsi.com

خاطرات
سنگ‌سری



www.KetabFarsi.com

Writer: Bee Bee Maryam Bakhtiari
Editor: Gholamabbas Noroozi



Anzan Publisher

